

تأثیر مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی بر قصد فرزندآوری زنان نقاط شهری استان بوشهر

محمد جلال عباسی شوازی⁻، احمد دراهکی⁻⁻

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰)

چکیده

فرض اساسی نظریه شبکه‌های اجتماعی این است که تصمیمات مهمی از جمله فرزندآوری که در زندگی اتخاذ می‌شوند، می‌توانند تحت تأثیر این شبکه‌ها قرار گیرند. با وجود مطالعات متعدد و ارزشمندی که در تبیین باروری در ایران انجام گرفته است، کمتر به نقش شبکه‌های اجتماعی، به صورت مستقل و منسجم توجه شده است. یکی از سؤالات اساسی که در این زمینه مطرح می‌گردد، این است که شبکه‌های اجتماعی از طریق چه مکانیزم‌هایی بر قصد فرزندآوری افراد تأثیر می‌گذارند؟ نمونه مورد بررسی در این مطالعه، شامل ۶۰۰ زن حداقل یک‌بار ازدواج کرده در نواحی شهری استان بوشهر است که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این مطالعه نشان داد که با کنترل متغیرهای سن، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، تحصیلات و اشتغال زنان، متغیرهای مکانیزم و شبکه، تأثیر مهمی بر قصد باروری زنان دارند. نتایج رگرسیون لجستیک دووجهی نشان داد که مکانیزم‌های فشار اجتماعی، واگیری اجتماعی و حمایت اجتماعی به صورت مثبت، و متغیر یادگیری اجتماعی منفی، به صورت منفی بر قصد باروری زنان مورد مطالعه تأثیر گذارند. با توجه به اینکه مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی با توجه به ویژگی‌های زندگی مدرن، در حال تغییر است، مطالعه آنها در طول زمان و مکان‌های مختلف، برای اتخاذ سیاست‌های مناسب در زمینه باروری لازم و ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، واگیری اجتماعی، فشار اجتماعی، یادگیری اجتماعی، حمایت اجتماعی، قصد فرزندآوری.

مقدمه

با دستیابی جوامع توسعه‌یافته به باروری پایین^۱، بحث‌های سیاستی جمعیت، بر باروری پایین و چالش‌های پیش روی آن متمرکز شده است. دو نکته مهم در این رابطه، تعویق فرزندآوری و کاهش در سطح باروری می‌باشد. به دنبال این تغییرات، جمعیت‌شناسان بر دلایل تعویق فرزندآوری و اینکه چرا باروری خیلی از افراد، در یک یا دو فرزند متوقف می‌شود تأکید کردند. در این شرایط، تحقیقات جدید در حوزه باروری، به دنبال دستیابی به رهیافت تازه‌ای برای تبیین تأخیر و توقف در فرزندآوری برآمدند. در ابتدا، تأکید جمعیت‌شناسان، بر عوامل اقتصادی برای تبیین باروری پایین بود. نظریه‌های اقتصادی، عمدتاً بر این نکته تأکید داشتند که به‌ویژه در کشورهای با حمایت کم از کار والدین و بازار کار با قوانین انعطاف‌ناپذیر، هزینه فرصت فرزندان بالاست (ریندفوس^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). این عوامل منجر به آن شده است که محققان باروری و سیاستگذاران، برای ثابت نگه‌داشتن یا افزایش میزان باروری، بر سیاست‌های اقتصادی و کار تأکید کنند. در ادامه روند تبیین باروری پایین، توجه محققان جمعیت‌شناسی به عوامل ایده‌ای و ارزشی در جامعه جدید معطوف شد و سعی بر آن داشتند تا با توجه به این دیدگاه، نواقص رهیافت اقتصادی به باروری را جبران کنند. این تحقیقات، بر افزایش ارزش‌های فردگرایانه و ناسازگازی آمل‌های خانوادگی و شغلی به‌ویژه برای زنان تأکید داشتند (ادسیرا، ۲۰۰۳^۳ و مک‌دونالد، ۲۰۰۳).

توجه محققان جمعیت‌شناسی، در ادامه، برای تبیین باروری پایین، به مفاهیم روانشناسی اجتماعی مانند والدین شدن^۴ معطوف گردید. نکته‌ای که در این میان، کمتر مورد توجه بوده و به‌تازگی در تحقیقات جمعیت‌شناسی برای تبیین باروری پایین مطرح شده است، مفهوم شبکه‌های اجتماعی^۵ می‌باشد. منظور از شبکه‌های اجتماعی، روابط پایداری است که در زندگی اجتماعی، میان افراد شکل می‌گیرد و در این میان، جریانی از تبادلات مادی و غیرمادی، میان اعضای شبکه ایجاد می‌گردد (گریناویتتر^۶، ۱۹۸۵). این اعضاء می‌توانند از خانواده هسته‌ای فرد

1 low fertility
2 Rindfuss
3 Adsera
4 Parenthood
5 Social Network
6 Granovetter

(یعنی پدر، مادر، برادر و خواهران)، دوستان و همکاران، خویشاوندان و سایر آشنایانی باشد که به صورت پایدار با فرد در ارتباطند و فرد، خود را عضوی از آنها می‌داند. اگر چه توجه به مفاهیم شبکه اجتماعی در تبیین کاهش باروری تاریخیچه‌ای طولانی‌تر دارد و تحقیقات قبلی نیز در قالب عناوینی مانند اشاعه، یادگیری اجتماعی، فشار اجتماعی و... به آن اشاره داشته‌اند (میلر و دولارد^۱، ۱۹۴۱؛ کللند و ویلسون^۲، ۱۹۸۷؛ واتکینز و دانزی^۳، ۱۹۹۵). با اینحال، توجه به شبکه اجتماعی، به‌عنوان یک چارچوب منسجم در تبیین باروری پایین، در سالهای اخیر صورت گرفته است (برناردی^۴، ۲۰۰۳؛ روزیر^۵ و برناردی، ۲۰۰۹؛ بالبو و میلز^۶، ۲۰۱۱؛ بالبو و باربن^۷، ۲۰۱۴؛ برناردی و کله‌نر^۸، ۲۰۱۴؛ لوئیس^۹، ۲۰۱۶). نظریه شبکه اجتماعی، به این موضوع اشاره دارد که رفتارهای انسانی، از جمله رفتار باروری که به وسیله کنش‌گران اجتماعی انجام می‌شود، به‌طور عمیقی، ریشه در شبکه روابط اجتماعی دارند. در این چرخه روابط، افراد ممکن است اطلاعاتی درباره امکانات و پیامدهای انتخاب فرزند، یادگیری دوباره عملکرد سایر افراد، احساس سازگار شدن با هنجارهای مرتبط با رفتار خانواده و... را با هم مبادله کنند (آپرشو دیاز^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۱). با وجود مطالعات روبه‌رشدی که در جوامع پسا صنعتی درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر باروری در حال شکل‌گیری است، مروری بر مطالعات انجام‌گرفته در زمینه تبیین باروری در ایران، نشان‌دهنده توجه کمتر به نقش شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. مطالعات باروری در ایران، برای تبیین باروری، بیشتر به عواملی مانند نوسازی (معینی و پایدارفر، ۱۳۷۶؛ عرفانی، ۲۰۰۵)، عوامل بلا فصل، مانند تغییرات سن ازدواج و وسایل پیشگیری از حاملگی (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹؛ عرفانی و مک‌کوئیلان^{۱۱}، ۲۰۰۸)، قومیت و مذهب (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۴؛ پرنده، ۱۳۷۲؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۶)، تحولات خانواده و باروری (عباسی شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴)، استقلال زنان (عباسی شوازی و

1 Miller and Dollard

2 Cleland and Wilson

3 Watkins and Danzi

4 Bernardi

5 Rogers

6 Balbo and Mills

7 Balbo and Barban

8 Bernardi and Klarner

9 Lois

10 Aparicio Diaz

11 McQuillan

علی‌مندگاری، ۱۳۸۹؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۴؛ عباسی شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۱)، تأثیر تمپو (عینی‌زیناب و شمش قهفرخی، ۱۳۹۱)، و ناامنی اقتصادی (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳) پرداخته‌اند.

نکته اساسی که در این مطالعات، کمتر به چشم می‌خورد توجه به گروه‌های اجتماعی و نقشی که آنها به‌عنوان یک میانجی ایفا می‌کنند، می‌باشد. بنابراین، با وجود مطالعات ارزشمند و متعددی که در حوزه تحولات باروری در ایران انجام گرفته است، نیاز توجه مستقل به تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر باروری احساس می‌گردد. حال، یکی از سؤالاتی که مطرح می‌شود، این است که این شبکه‌ها، از طریق چه مکانیزم‌هایی بر قصد باروری افراد تأثیر می‌گذارند؟ مقاله پیش‌رو نیز بر پایه همین سؤال اساسی طرح‌ریزی شده است و با مروری بر مبانی نظری و مطالعات تجربی، فرضیاتی را مطرح و به مطالعه تأثیر مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی بر قصد فرزندآوری در میان زنان حداقل یک‌بار ازدواج کرده نقاط شهری استان بوشهر می‌پردازد.

بر مبنای تقسیمات کشوری وزارت کشور، استان بوشهر در سال ۱۳۹۲ دارای ۱۰ شهرستان، ۲۵ بخش، ۳۶ شهر و ۵۲ دهستان بوده و به لحاظ مساحت، هفدهمین استان کشور بوده است (وزارت کشور، ۱۳۹۲). تعداد جمعیت این استان، در سرشماری ۱۳۹۵، ۱۱۶۳۴۰۰ نفر برآورد گردیده است. بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۶، میزان باروری کل در نقاط شهری استان بوشهر، برابر با ۲/۰ بوده که بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۱، به ۲/۲ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با وجود اینکه میزان باروری در حدود سطح جانشینی در نقاط شهری استان بوشهر، اما شهرستان‌های این استان دارای سطوح باروری متفاوت می‌باشند. از این میان، نقاط مرکزی شهری سه شهرستان بوشهر، جم و عسلویه برای مطالعه انتخاب شدند.

مبانی نظری و سوابق پژوهشی

بر اساس نظریه شبکه اجتماعی^۱، افراد در ساختارها یا شبکه‌های اجتماعی قرار دارند که می‌توانند به‌عنوان سیستم‌های پایدار روابط اجتماعی مشاهده گردند (گریناویتر، ۱۹۸۵). این شبکه‌ها می‌توانند بر رفتار و ایده‌های افراد تأثیرگذار باشند. در تحقیقات شبکه‌های اجتماعی و باروری، هیچ نظریه یا توافق عملی در مورد اینکه چند مکانیزم یا کدام مکانیزم‌ها در این امر

دخیل هستند، وجود ندارد. با این حال، در این تحقیقات، چهار مکانیزم، بیشتر مورد بررسی و تأکید قرار گرفته‌اند.

نخستین مکانیزم، **یادگیری اجتماعی**^۱ می‌باشد. یادگیری اجتماعی فرآیند فراگرفتن، تبادل و ارزیابی اطلاعات درون شبکه می‌باشد. مفهومی که به‌طور گسترده، در روانشناسی اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است (میلر و دولارد، ۱۹۴۱؛ بندورا^۲، ۱۹۶۲). یادگیری اجتماعی بر آن تأکید دارد که مشاهده کنش‌ها و رفتار سایر افراد و یادگیری از تجربیات آنها، ممکن است الگویی برای دیگران باشد. جمله معروف بندورا آن است که «تقریباً هر پدیده‌ای که به‌وسیله تجربه مستقیم روی می‌دهد، می‌تواند با مشاهده کردن دیگران و پیامدها برای آنها به‌صورت جانشینی (غیرمستقیم) نیز روی دهد (شولتز و شولتز^۳، ۲۰۱۳: ۵۲۳). یادگیری اجتماعی بر پایه این فرض استوار است که رفتارهای جدید، اغلب از طریق مشاهده مدل‌ها کسب می‌شوند (بندورا، ۱۹۷۷). یادگیری مشاهده‌ای، به فرد کمک می‌کند تا انجام یک رفتار تازه را بدون تحمل هیچ‌گونه ریسکی از پیامدهای منفی، مانند شکست یا عدم تأیید اجتماعی، ارزیابی کند (بورت، ۱۹۸۷). در زمینه انتقال به والدین شدن، این به آن معنا است که هنگامی که سایر زوجین در شبکه اجتماعی، دارای فرزند می‌شوند، لذت‌های ناشناخته قبلی و چالش‌های داشتن فرزند، نمایان می‌گردد و به‌عنوان مدل‌های رفتاری بالقوه عمل می‌کنند (فریدمن^۴ و همکاران، ۱۹۹۴).

واتکینز و دنیز (۱۹۹۵)، در مطالعه‌ای درباره جمعیت‌شناسی تاریخی و انسان‌شناختی فرزندآوری و کنترل باروری در میان زنان ایتالیایی و یهودی ساکن ایالات متحده آمریکا در دوره ۱۹۴۰-۱۹۲۰ به این نتیجه رسیدند که کاهش باروری میان این دو گروه از زنان، به‌وسیله تعاملات اجتماعی زنانی که درباره تکنیک‌های کنترل موالید صحبت می‌کردند، آغاز شده و گسترش یافته است. در این تعاملات، زنان، نه‌تنها نکاتی را درباره تکنیک‌های جدید می‌آموختند، بلکه درباره تکنیک‌هایی که از لحاظ اجتماعی توسط همالان آنها (خویشاوندان، دوستان، همسایگان و...) پذیرفته شده بود، تبادل اطلاعات می‌کردند. کیم^۵ (۲۰۱۱) در مطالعه خود بر روی جوانان غرب آلمان، دریافت که چگونه مشاهده تجربیات سایر افراد، می‌تواند

1 Social learning

2 Bandura

3 Schultz & Schultz

4 Friedman

5 Keim

تصمیم درباره زمان بندی فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد؛ برای مثال، اگر زوجین، مشاهده کنند که سایر زوجین (در شبکه اجتماعی) در فاصله کوتاهی، به اولین فرزند خود رسیده‌اند، ممکن است متقاعد شوند تا تصمیم به فرزندآوری را زودتر از برنامه در نظر گرفته شده عملی نمایند. در مقابل، زوجینی که مشاهده می‌کنند سایر افراد شبکه، بالاتر از سن ۳۰ یا حتی ۴۰ سالگی شروع به والدین شدن می‌کنند، ممکن است بر تأخیر والدین شدن آنها تأثیرگذار باشد. لنگستید و پرسکاویتز^۱ (۲۰۱۰) نیز با استفاده از داده‌های طولی ثبت اداری نروژ با مطالعه بر روی ۱۱۱۵۸۲ برادر و خواهردریافتند که برادران و خواهران تأثیر نسبتاً قوی بر باروری نخستین پاسخگویان داشته‌اند؛ اما تأثیر آن بر توالی دومین فرزند ضعیف بوده است. اکسین^۲ و همکارانش (۱۹۹۴)، معتقدند که سه عامل اساسی منجر به آن می‌شود که بین باروری ایده‌آل و قصدشده برادران و خواهران رابطه وجود داشته باشد. نخست آن‌که برادران و خواهران، دارای اجزاء ژنتیکی مشترک هستند، به عبارتی دیگر، از گوشت و خون یکدیگرند. دوم، برادران و خواهران، معمولاً دارای مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی مشترک هستند. سوم، عوامل محیطی مشابه، مانند مدرسه، دوستان و همسایگان مشابه دارند که از این طریق بر جامعه‌پذیری آنها تأثیرگذار است و از سوی دیگر، برادران و خواهران، ممکن است الگوهای رفتاری برجسته‌ای برای یکدیگر باشند (اکسین و همکاران، ۱۹۹۴: ۶۸).

دومین مکانیزم، فشار اجتماعی^۳ می‌باشد که تأکید بر نیروهایی دارد که افراد را هدایت به همراه شدن با هنجارهای اجتماعی، به منظور به دست آوردن تأیید یا اجتناب از درگیری و تضاد بین همسالان می‌کنند (فستینگر^۴ و همکاران، ۱۹۵۰؛ اش، ۱۹۵۵). آن‌چه که به طور خاص، برای رفتار فرزندآوری اهمیت دارد، این است که شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای سنی^۵ که برای انتقال به والدین شدن تعریف شده است را تقویت و تأیید می‌کنند. به همین دلیل، از این چنین هنجارهایی به عنوان ساعت اجتماعی^۶ یاد می‌شود (نوگرتن^۷، ۱۹۷۹). هنگامی که از منظر تاریخی به تحولات باروری توجه شود، می‌توان هنجارهای اجتماعی که از والدین شدن حمایت

1 Lyngstad and Prskawetz

2 Axinn

3 Social Pressure

4 Festinger

5 Age Norms

6 Social Clock

7 Neugarten

می‌کردند را تا دهه ۱۹۶۰ مشاهده کرد؛ هنجارهایی که فشار اجتماعی قوی به مردان و زنان برای پیروی از این هنجارها می‌آوردند. از دهه ۱۹۶۰، در این رابطه، تغییر جهت ایجاد شد و از آن زمان، در جوامع غربی و پساصنعتی، به تدریج حتی بی‌فرزندی داوطلبانه به یک گزینه قابل پذیرش تبدیل شد (ماکسول و منتوگری^۱، ۱۹۶۰؛ اری^۲، ۱۹۷۸). لیفبریر و بیلاری^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه خود بر روی زنان هلندی نشان دادند که هر چقدر فشار اجتماعی وارد شده برای داشتن فرزند دیگر بیشتر باشد، احتمال آن‌که افراد قصد داشتن فرزند دیگری داشته باشند، بیشتر می‌شود.

سومین مکانیزم، **واگیری اجتماعی**^۴ است که می‌تواند به عنوان گرفتن خودجوش حالات عاطفی تعریف شود (لوئیس، ۲۰۱۶). در جامعه‌شناسی، واگیری اجتماعی به عنوان فرآیندی که افراد، یک ایده یا رفتار را از دیگران می‌گیرند تعریف می‌شود (بورت و جینیک، ۱۹۹۶). روانشناسان اجتماعی معتقدند که حالات عاطفی افراد می‌توانند از طریق ارتباط با دیگر افراد تغییر یابند (برناردی و کله‌نر، ۲۰۱۴). درحالی‌که این مکانیزم بیشتر بر رفتارهای کوتاه‌مدت مانند اجتماعات به‌کار برده می‌شود، شواهدی از تأثیرات وضعیت‌های عاطفی طولانی‌مدت مانند شادی یا تنهایی نیز وجود دارد که از طریق شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابند. شواهد نشان‌دهنده آن است که مکانیزم واگیری اجتماعی بر نگرش به فرزندآوری تأثیرگذار است؛ یعنی زنانی که هنگام صرف وقت با نوزاد در شبکه‌شان انگیزش هیجانی نشان می‌دهند و احساس شادی به آنها دست می‌دهد، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند (برناردی و کله‌نر، ۲۰۱۴). همچنین پیمایشی که در شهر روستوگ آلمان انجام گرفت، تأثیر مثبت واگیری اجتماعی بر قصد فرزندآوری به‌ویژه در صورتی که شبکه اجتماعی دارای فرزند زیر سه سال باشند را نشان داد (برناردی و جیودیسی، ۲۰۱۰). لوئیس و آرنزبیکر^۵ (۲۰۱۴) در تحقیقی در کشور آلمان با عنوان آیا باروری واگیری دارد؟ با استفاده از داده‌های پانل بر روی ۱۶۷۹ زن ازدواج‌کرده، رابطه مثبت بین تعداد اعضای دارای نوزاد شبکه و انتقال به والدین شدن را به‌ویژه در میان زوجین جوان نشان دادند.

1 Maxwell and Montgomery

2 Ory

3 Liefbroer and Billari

4 Social Contagion

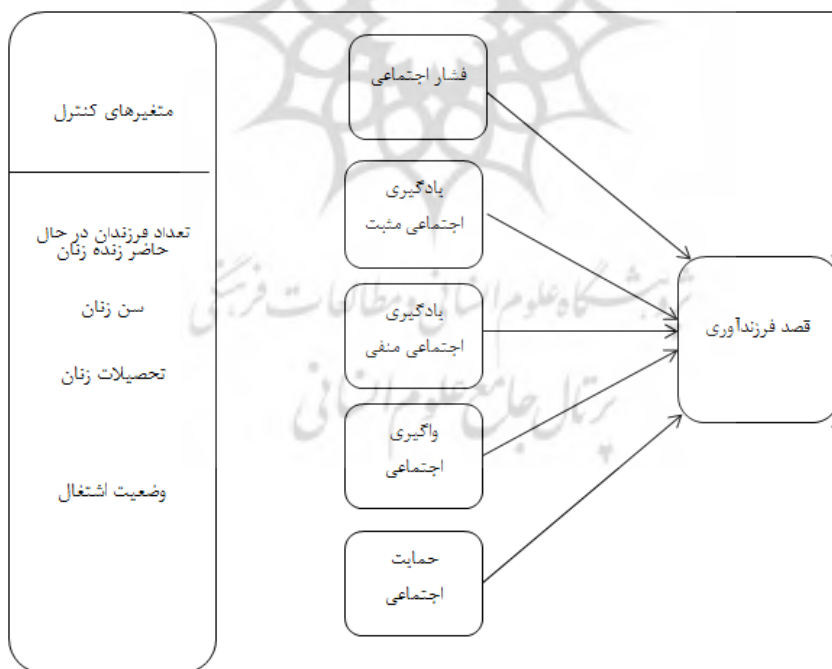
5 Lois and Arránz Becker

مکانیزم چهارم، **حمایت اجتماعی**^۱ یا فرایند تبادل کالا و خدمات، میان افراد خویشاوند می‌باشد. در نظریه شبکه‌های اجتماعی، تأکید بر حمایت‌های غیررسمی می‌باشد که توسط اعضای شبکه انجام می‌شود؛ و منظور، حمایت‌های رسمی که توسط نهادهای اجتماعی (مانند تسهیلات دولت برای فرزندآوری) انجام می‌شود، نیست. ایده حمایت اجتماعی، اساساً ریشه در نظریه سرمایه اجتماعی دارد. این به آن معنا است که افراد در روابط اجتماعی، به‌منظور بهره‌برداری از این منابع در زمان نیاز، سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد وجود دارد و می‌تواند به‌عنوان یک دارایی که کنش‌ها را تسهیل می‌کند، دیده شود (کلمن، ۱۹۸۸). مفهوم سرمایه اجتماعی با مفهوم شبکه اجتماعی، به‌طور نزدیکی با هم در ارتباط هستند، زیرا که افراد خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و سایر نزدیکان فرد، منابع اولیه حمایت اجتماعی می‌باشند. می‌توان بین سه حمایت مادی^۲ (مانند پول)، حمایت ابزاری^۳ (مانند کمک در خانه‌داری، مراقبت از کودک) و حمایت عاطفی^۴ (مانند سازگاری) تمایز قایل شد (برنادری و کله‌نر، ۲۰۱۴). حمایت اجتماعی می‌تواند تصمیم به داشتن فرزند را در مراحل اولیه ازدواج یا در شرایطی که زوجین هنوز در حال تحصیل هستند ولی دوست دارند فرزندی داشته باشند، تسهیل کند (بهرلر و فزیچزک^۵، ۲۰۰۷؛ آرنز بیکر، لویز و نوک^۶، ۲۰۱۰). بالبو و میلز (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای که در سه کشور آلمان، فرانسه و بلغارستان انجام دادند، نشان دادند که حمایت اجتماعی، بر قصد داشتن فرزند دوم و سوم تأثیرگذار است. آنها دریافتند که این رابطه با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، متفاوت عمل می‌کند. برای نمونه، حمایت اجتماعی تأثیر ضعیف‌تری در فرانسه نسبت به آلمان و بلغارستان دارد؛ زیرا که دولت فرانسه سیاست سخاوتمندانه‌ای نسبت به مراقبت از فرزندان دارد و افراد، کمتر متکی به شبکه فردی خود هستند. با توجه به مبانی نظری و سوابق پژوهشی مکانیزم‌های یادگیری اجتماعی (مثبت و منفی)، فشار اجتماعی، واگیری اجتماعی و حمایت اجتماعی، به‌عنوان چارچوب نظری مطالعه حاضر انتخاب شده و تأثیر آنها بر قصد فرزندآوری (قصد رفتن به رتبه بالاتر فرزندآوری) مورد

1 Social Support
 2 Material Support
 3 Instrumental Support
 4 Emotional Support
 5 Bühler and Fratzczak
 6 Arránz Becker, Lois and Nauck

مطالعه قرار می‌گیرند. متغیرهای کنترل تحقیق نیز شامل متغیرهای، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده زنان مورد مطالعه، سن زنان، تحصیلات و وضعیت اشتغال آنها می‌شود. می‌توان گفت: قصد فرزندآوری در زنان تابع تعداد فرزندان موجود آنها می‌باشد، به طوری که هر چه بر تعداد فرزندان در حال زنده زنان، افزوده می‌شود، قصد آنها به فرزندآوری کاهش می‌یابد. سن زنان نیز یکی از متغیرهایی است که بر فرزندآوری آنان تأثیرگذار است. به طور کلی، فرزندآوری تابع سن افراد است و تأثیر سن بر فرزندآوری در مطالعات متعدد نشان داده شده است (برای نمونه، عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳). از دیگر متغیرهایی که در تحقیقات متعدد تأثیر آنها بر فرزندآوری زنان نشان داده شده است، تحصیلات و وضعیت اشتغال زنان است (برای نمونه، عباسی شوازی و خواجه‌صالحی، ۱۳۹۲؛ عباسی شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۸). متغیرهای کنترل و متغیرهای پژوهشی و نحوه ارتباط آنها با متغیر وابسته در شکل ۱ نشان داده شده است.

شکل ۱: ارتباط متغیرهای مکانیزم شبکه‌های اجتماعی و متغیرهای کنترل با متغیر قصد فرزندآوری زنان



بنابراین فرضیات تحقیق را می‌توان اینچنین بیان کرد:

- هر چه فشار اجتماعی در راستای فرزندآوری بر افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، احتمال قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد.
- هر چه واگیری اجتماعی فرد از طریق شبکه‌های اجتماعی در راستای فرزندآوری بیشتر باشد، احتمال قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد.
- هر چه یادگیری اجتماعی مثبت در رابطه با فرزندآوری از طریق شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، احتمال قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد.
- هر چه یادگیری اجتماعی منفی در رابطه با فرزندآوری از طریق شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، احتمال قصد فرزندآوری کاهش می‌یابد.
- هر چه حمایت اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، احتمال قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد.

روش تحقیق و داده‌ها

استان بوشهر از جمله استان‌های کشور است که باروری آن در سطح جانشینی می‌باشد. میزان باروری کل به دست آمده برای این استان، بر اساس روش فرزندان خود، برای دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، ۲/۱ بوده است. با وجود باروری در سطح جانشینی در کل استان، اما شهرستان‌های استان، میزان باروری متفاوتی دارند. لذا در این مطالعه، برای نمونه‌گیری، ابتدا سه شهرستان استان، با میزان باروری کل متفاوت، انتخاب شدند. این سه شهرستان، شامل شهرستان‌های بوشهر، جم و عسلویه می‌باشند. میزان باروری کل این سه شهرستان در سال ۱۳۹۴، به ترتیب ۱/۹، ۲/۴ و ۲/۸ بوده است (مرکز بهداشت و درمان استان بوشهر، ۱۳۹۵). مراکز شهری این سه شهرستان برای مطالعه انتخاب گردید. بر اساس اطلاعات حاصل از سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد زنان ۱۰ ساله و بالاتر حداقل یک بار ازدواج کرده سه شهر بوشهر، جم و عسلویه، به ترتیب، برابر با ۵۲۳۳۵، ۴۱۱۳ و ۲۳۰۱ نفر (مجموعاً برای این سه شهر، برابر با ۵۸۷۴۹ نفر) بوده است. با توجه به اینکه هدف مطالعه حاضر، بررسی قصد فرزندآوری (قصد رفتن به توالی بالاتر فرزندآوری) در بین زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بود، برای اینکه بتوان به یک حجم نمونه قابل قبول دست یافت، حجم نمونه، ۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روش

نمونه‌گیری، ترکیبی از نمونه‌گیرهای خوشه‌ای متناسب با حجم، تصادفی و تصادفی سیستماتیک است. برای نمونه‌گیری، در ابتدا حوزه‌های آماری شهرهای مورد مطالعه، بر اساس تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ تهیه شد. در مرحله بعد، مشخصه‌های اجتماعی و جمعیتی هر یک از این حوزه‌های آماری از مرکز آمار ایران تهیه گردید تا مبنای خوشه‌بندی حوزه‌ها قرار گیرد. دو متغیر معیار در خوشه‌بندی، شامل "جمعیت زنان ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یک‌بار ازدواج کرده" و "تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده" زنان بودند، که از تقسیم آنها، شاخص متوسط زنده‌زایی زنان هر حوزه آماری به دست آمد. دامنه این شاخص، بین ۱/۱۰ تا ۳/۲۷ به دست آمد. در مرحله بعد، با توجه به این شاخص، حوزه‌های آماری به سه خوشه تقسیم گردید. با توجه به آن‌که حجم نمونه ۶۰۰ نفر تعیین شده بود، سهم خوشه اول، با توجه به حجم آن، ۲۵۲ نفر، سهم خوشه دوم، ۱۸۵ نفر و سهم خوشه سوم، ۱۶۳ نفر تعیین شد. برای تهیه نقشه حوزه‌های آماری، و در مرحله بعد، تهیه نقشه‌های بلوک‌های آماری، از برنامه جی آی اس استفاده گردید. در مجموع، ۱۵ حوزه آماری به صورت تصادفی انتخاب و در هر حوزه آماری، ۴ بلوک آماری و در هر بلوک، ۱۰ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. در انتخاب بلوک‌های مورد نظر، ابتدا بلوک‌های غیرمسکونی و بلوک‌هایی که تعداد خانوارهای آنها کمتر از ۱۰ خانوار بود، حذف گردید. جمع‌آوری داده‌ها از اوایل فروردین تا اواخر تیرماه سال ۱۳۹۶ به طول انجامید. برای ارزیابی کیفیت داده‌های جمع‌آوری شده از نقاط مورد مطالعه، از داده‌های ثانویه مرتبط، به ویژه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ استفاده گردید. به نحوی که متغیرهای توزیع سنی، وضعیت زناشویی، تحصیلات، اشتغال، و توزیع فرزندآوری زنان مورد مطالعه، با داده‌های ثانویه مورد مقایسه قرار گرفت. این ارزیابی‌ها بیان‌گر کیفیت خوب داده‌های جمع‌آوری شده بود. در تحقیق حاضر، متغیر وابسته، قصد باروری می‌باشد که از طریق گویه "آیا شما قصد داشتن فرزند، یا در صورت داشتن فرزند، قصد داشتن فرزند دیگر غیر از فرزندان موجود را دارید؟"، سنجیده شده است. اگرچه قصدها مانند سایر برآوردهای دوره‌ای محتمل نقایصی هستند، اما اعتبار قصدها در مقایسه با سایر شاخص‌ها قابل توجه می‌باشند و از دقت بالاتری برخوردارند (وستاف^۱، ۱۹۹۰). رابطه بین قصد باروری و رفتار باروری در مطالعات

متعددی نشان داده شده است (وستاف و رایدر ۱۹۷۷؛ ایسلام و بیرگی^۱ ۲۰۰۳). برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل تحقیق، یعنی مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی، از گویه‌های مورد استفاده در تحقیقات پیشین شبکه‌های اجتماعی و تحقیقات باروری و گویه‌های محقق ساخته استفاده گردیده است (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبط با متغیرهای مکانیزم شبکه‌های اجتماعی

بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه
۰/۸۹	من هنگامی که وقتم را با نوزاد بستگان یا دوستانم می‌گذرانم، احساس شادی و نشاط می‌کنم.	۰/۹۲	والدین من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.
۰/۸۷	من دوست دارم با نوزادان دوستان یا بستگان نزدیکم بازی کنم.	۰/۹۲	والدین خانواده شوهرم فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.
۰/۸۱	من هنگامی که بازی و شادی کودکان را می‌بینم، احساس لذت می‌کنم.	۰/۸۹	برادران و خواهران من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.
۰/۸۱	یکی از شیرین‌ترین تفریحات من، بازی کردن با نوزادان دوستان و بستگان نزدیکم است.	۰/۸۶	برادران و خواهران شوهرم فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.
		۰/۸۱	خویشاوندان من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.
		۰/۸۰	دوستان من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.
۰/۰۰	۰/۸۰	۰/۰۰	۰/۸۸
۰/۸۳	... شما از چه میزان حمایت برای مراقبت و نگهداری از نوزاد خود از طرف خویشاوندان یا دوستان نزدیک برخوردار هستید؛ یا انتظار دریافت آن را دارید؟	۰/۹۲	دوستان یا خویشاوندان من که در سه سال گذشته صاحب فرزند شده‌اند، رضایت و شادی آنها از زندگی افزایش یافته است.
۰/۸۳	در صورتی که شما در ماه‌های آینده نیاز مالی پیدا کنید، به چه میزان می‌توانید بر کمک خویشاوندان یا دوستان نزدیک خود حساب باز کنید؟	۰/۸۸	دوستان یا خویشاوندان من که در سه سال گذشته صاحب فرزند شده‌اند، رابطه آنها با شوهرشان بهتر و مستحکم‌تر شده است.

بار عاملی	گویه	واگیری اجتماعی	بار عاملی	گویه	فشار اجتماعی
۰/۸۹	من هنگامی که وقتم را با نوزاد بستگان یا دوستانم می‌گذرانم، احساس شادی و نشاط می‌کنم.		۰/۹۲	والدین من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.	
۰/۸۷	من دوست دارم با نوزادان دوستان یا بستگان نزدیکم بازی کنم.	۰/۹۲	والدین خانواده شوهرم فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.		
۰/۸۱	من هنگامی که بازی و شادی کودکان را می‌بینم، احساس لذت می‌کنم.	۰/۸۹	برادران و خواهران من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.		
۰/۸۱	یکی از شیرین‌ترین تفریحات من، بازی کردن با نوزادان دوستان و بستگان نزدیکم است.	۰/۸۶	برادران و خواهران شوهرم فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.		
		۰/۸۱	خویشاوندان من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.		
		۰/۸۰	دوستان من فکر می‌کنند من باید فرزند یا فرزند دیگری داشته باشم.		
۰/۷۵	... به چه میزان می‌توانید بر همدلی یا کمک خویشاوندان یا دوستان نزدیک خود در این رابطه حساب باز کنید؟	۰/۸۳	دوستان یا خویشاوندان من که در سه سال گذشته صاحب فرزند شده‌اند، رابطه آنها با والدینشان بیشتر و بهتر شده است.		
		۰/۶۹	دوستان یا خویشاوندان نزدیک من که در سه سال گذشته صاحب فرزند شده‌اند، از لحاظ اقتصادی وضعیت اقتصادی آنها بدتر شده و تحت فشار اقتصادی قرار گرفته‌اند.	کفایت نمونه‌گیری	
		۰/۸۸	بیشتر دوستان و خویشاوندان نزدیک من که صاحب فرزند شده‌اند، از مشکلات تربیت فرزند شکایت می‌کنند.		
		۰/۸۳	بیشتر دوستان و خویشاوندان نزدیک من که صاحب فرزند شده‌اند، از توقعات بالای فرزند شکایت می‌کنند.		
۰/۰۰	۰/۶۷	کفایت نمونه‌گیری	۰/۰۰	۰/۷۰	کفایت نمونه‌گیری

از جمله تحقیقات پیشین که گویه‌های آنها برای ساخت گویه‌های مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی در پرسشنامه تحقیق پیش‌رو مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان به تحقیقات انجام شده توسط هلبگ و کوگوسک^۱ (۲۰۱۲)، بالبو و بارین (۲۰۱۴)، دگسترا^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، مرسدن^۳ (۱۹۹۰)، بالبو و میلز (۲۰۱۱)، لويس (۲۰۱۶) و ویکت^۴ و همکاران (۲۰۰۵) اشاره نمود. اعتبار گویه‌های مکانیزم شبکه اجتماعی نیز در ابتدا از طریق اعتبار صوری و با نظر متخصصان این حوزه و در مرحله بعد، از طریق پیش‌آزمون و تحلیل عامل تأییدی، مورد آزمون قرار گرفت. گویه‌های مورد استفاده برای مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی و میزان اعتبار آنها در جدول ۱ آمده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان از اعتبار خوب گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیرهای مورد نظر دارد. لازم به ذکر است، با توجه به طولانی بودن برخی از گویه‌ها، برخی از آنها به صورت خلاصه در جدول مذکور آمده‌اند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق، در سه قسمت نتایج تحلیل تک متغیره برای برخی متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای مورد مطالعه، نتایج تحلیل‌های دو متغیره، و در نهایت، نتایج تحلیل چندمتغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک دوجبهی ارائه می‌گردد. با توجه به آنکه مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی، حالتی پویا دارند و در رتبه‌های متفاوت فرزندآوری، می‌توانند به صورت‌های متفاوت عمل کنند، تحلیل تک‌متغیره مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی با توجه به رتبه‌های فرزندآوری، مورد بررسی قرار گرفته است. برخی مشخصات جمعیتی و زمینه‌ای زنان مورد مطالعه، در جدول ۲ آمده است.

1 Hlebec and Kogovsek

2 Dykstra

3 Marsden

4 Vikat

جدول ۲. مشخصات جمعیتی و زمینه‌ای زنان مورد مطالعه ۱۳۹۶

گروه سنی	درصد	تحصیلات	درصد	تعداد فرزندان	درصد	وضعیت اشتغال	درصد
۱۵-۱۹	۱/۳			۰	۱۱/۸		
۲۰-۲۴	۱۴/۰	بی‌سواد	۴/۰	۱	۲۳/۳	شاغل	۱۴/۲
۲۵-۲۹	۱۸/۷	ابتدایی	۱۴/۷	۲	۳۳/۱	بیکار	۸۵/۸
۳۰-۳۴	۲۸/۰	راهنمایی	۱۴/۲	۳	۱۹/۷		
۳۵-۳۹	۲۱/۲	دیپلم	۳۷/۵	۴ و بالاتر	۱۱/۹		
۴۰-۴۴	۱۶/۸	دانشگاهی	۲۹/۷				
میانگین سنی	۳۲/۸						

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین سنی زنان مورد مطالعه، ۳۲/۸ سال است که بیشترین فراوانی در گروه‌های سنی ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ ساله، به ترتیب با ۲۸ و ۲۱/۲ درصد بوده است. بیشترین میزان تحصیلات زنان مورد مطالعه، مربوط به تحصیلات دیپلم و دانشگاهی، به ترتیب با ۳۷/۵ و ۲۹/۷ درصد می‌باشد. نتایج حاکی از توزیع پراکنده زنان مورد بررسی بر مبنای تعداد فرزندان است. به‌طوری که تقریباً یک‌سوم زنان یا هنوز فرزندی به دنیا نیاورده‌اند و یا یک فرزند دارند؛ یک‌سوم زنان دو فرزند دارند؛ و تقریباً یک‌سوم زنان سه و یا بیشتر از سه فرزند دارند. از نظر وضعیت اشتغال نیز تنها ۱۴/۲ درصد از زنان مورد مطالعه شاغل بوده‌اند.

جدول ۳، توزیع درصدی قصد رفتن به توالی بالاتر فرزندآوری را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، صددرصد کسانی که هنوز فرزندی به دنیا نیاورده‌اند، قصد داشتن فرزند را بیان کرده‌اند. این درصد برای کسانی که یک فرزند داشته‌اند، حدود ۸۹ درصد است. برای کسانی که دو فرزند داشته‌اند، حدود ۳۸ درصد قصد آوردن فرزند سوم را ابراز کرده‌اند؛ یعنی ۳۸ درصد از کسانی که دو فرزند دارند، قصد آوردن سومین فرزند را دارند. حدود ۱۰ درصد کسانی که سه فرزند داشته‌اند، قصد آوردن فرزند چهارم را اظهار کرده‌اند. کسانی که چهار، پنج و شش فرزند داشته‌اند قصد فرزندآوری بیشتر نداشته‌اند.

جدول ۳. توزیع درصدی قصد به دنیا آوردن فرزند دیگر به تفکیک تعداد فرزندان در حال حاضر

زننده زنان مورد بررسی، ۱۳۹۶

کل	تعداد فرزندان در حال حاضر زننده (%)							قصد به دنیا آوردن فرزند دیگر
	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	
بلی	۱۰۰	۸۸/۶	۳۸/۲	۱۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۴۷/۲
خیر	۰/۰	۱۱/۴	۶۱/۸	۸۹/۸	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۵۲/۸

جدول ۴، نتایج تحلیل روابط دومتغیره برای متغیرهای مکانیزم‌های اجتماعی و تعداد فرزندان در حال حاضر زننده زنان نشان می‌دهد. برای متغیر فشار اجتماعی، کسانی که هنوز فرزندی ندارند، بیشترین توزیع درصدی مربوط به فشار اجتماعی زیاد، با ۴۳/۷ درصد می‌باشد. در مجموع، حدود ۷۸ درصد از کسانی که هنوز فرزندی ندارند، فشار اجتماعی متوسط به بالا را گزارش کرده‌اند. برای کسانی که یک فرزند دارند و قصد آوردن فرزند دوم را گزارش کرده‌اند، فشار اجتماعی زیاد، بیشترین توزیع درصدی (۴۱/۹ درصد) را دارا می‌باشد؛ درحالی‌که، کسانی که بیان داشته‌اند قصد آوردن فرزند دوم را ندارند، فشار اجتماعی زیاد، صفر می‌باشد. برای کسانی که دو فرزند دارند و تمایل و قصد خود را برای آوردن فرزند سوم بیان کرده‌اند، باز هم فشار اجتماعی زیاد، با ۴۷/۴ درصد، بیشترین توزیع درصدی را به خود اختصاص داده است؛ درحالی‌که، کسانی که قصدی برای آوردن فرزند دیگر را ندارند، فشار اجتماعی زیاد، حدود ۱۲ درصد می‌باشد. برای زنانی که سه فرزند و بیشتر دارند، فشار اجتماعی کمتری مشاهده می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فشار اجتماعی زیاد، در قصد افرادی که صفر، یک و دو فرزند دارند، برای رفتن به رتبه بعد نمایان است و این تفاوت در مقایسه با کسانی که این قصد را ندارند، مشهود است.

تأثیر مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی بر قصد فرزندآوری ... ۲۳

جدول ۴. توزیع درصدی متغیرهای مکانیزم‌های اجتماعی بر حسب تعداد فرزندان در حال حاضر

زنده و قصد آوردن فرزند دیگر، ۱۳۹۶

تعداد فرزندان در حال حاضر زنده	قصد آوردن فرزند دیگر	فشار اجتماعی			واگیری اجتماعی			یادگیری اجتماعی مثبت		
		کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۰	بلی	۲۲/۵	۳۳/۸	۴۳/۷	۷۱/۸	۲۸/۲	۹/۹	۵۷/۷	۳۲/۴	۹/۹
۱	بلی	۱۲/۹	۴۵/۲	۴۱/۹	۷۴/۲	۱۶/۱	۹/۷	۷۱/۰	۲۲/۶	۶/۵
	خیر	۵۰/۰	۵۰/۰	۰/۰	۲۵/۰	۷۵/۰	۰/۰	۲۵/۰	۵۰/۰	۲۵/۰
۲	بلی	۲۶/۳	۲۶/۳	۴۷/۴	۴۲/۱	۴۲/۱	۱۵/۸	۵۷/۹	۲۶/۳	۱۵/۸
	خیر	۵۲/۰	۳۵/۸	۱۲/۲	۴۲/۳	۳۱/۷	۲۶/۰	۴۲/۳	۲۵/۰	۲۲/۸
۳ و بالاتر	بلی	۳۳/۳	۳۳/۳	۳۳/۳	۰/۰	۶۶/۷	۳۳/۳	۰/۰	۶۶/۷	۳۳/۳
	خیر	۵۰/۰	۴۸/۳	۷/۱	۱۲/۹	۳۸/۸	۴۸/۳	۱۸/۰	۴۶/۶	۳۵/۴
تعداد فرزندان در حال حاضر زنده	قصد آوردن فرزند دیگر	یادگیری اجتماعی منفی			حمایت اجتماعی					
		کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد			
۰	بلی	۲۲/۵	۶۶/۲	۱۱/۳	۳۹/۴	۴۹/۳	۱۱/۳			
۱	بلی	۲۵/۸	۴۸/۴	۲۵/۸	۴۱/۹	۵۱/۶	۶/۵			
	خیر	۲۵/۰	۵۰/۵	۲۵/۰	۰/۰	۵۰/۰	۵۰/۰			
۲	بلی	۳۱/۶۰	۵۲/۶۰	۱۵/۸۰	۲۱/۱	۶۳/۲	۱۵/۸			
	خیر	۲۸/۵۰	۵۵/۳۰	۱۶/۳۰	۱۹/۵	۵۲/۰	۲۸/۵			
۳ و بالاتر	بلی	۳۳/۳	۶۶/۷	۰/۰	۲۵/۰	۵۰/۰	۲۵/۰			
	خیر	۳۶/۰	۳۰/۹	۳۳/۱	۳۰/۳	۴۶/۱	۲۳/۶			

در رابطه با متغیر واگیری اجتماعی، بیشترین توزیع درصدی این متغیر با رقم $71/8$ درصد، در میان کسانی است که هنوز فرزندی ندارند. در میان زنانی که یک فرزند دارند و قصد داشتن فرزند دوم را بیان کرده‌اند، بیشترین توزیع درصدی واگیری اجتماعی، متعلق به واگیری اجتماعی زیاد (با $74/2$ درصد) می‌باشد؛ درحالی‌که در زنانی که قصد داشتن فرزند دیگری را ابراز نکرده‌اند، واگیری اجتماعی متوسط، بیشترین توزیع درصدی را به خود اختصاص داده است. در میان زنان دارای دو فرزند و سه فرزند و بیشتر، میزان واگیری اجتماعی رو به کاهش می‌رود. در رابطه با متغیر یادگیری اجتماعی مثبت، برای کسانی که هنوز فرزندی ندارند، توزیع درصدی زیاد، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. در میان زنانی که دارای یک فرزند هستند و قصد به داشتن فرزند دیگری را ابراز کرده‌اند، توزیع درصدی زیاد، با 71 درصد، بیشترین رقم را دارا می‌باشد؛ درحالی‌که کسانی که چنین قصدی ندارند، این فراوانی، فقط 25 درصد می‌باشد. برای کسانی که دارای دو فرزند یا سه فرزند و بیشتر هستند، از میزان یادگیری اجتماعی مثبت کاسته می‌شود، با این وجود، میان کسانی که قصد داشتن فرزند دیگری را بیان کرده‌اند و کسانی که این قصد را اظهار نکرده‌اند، تفاوت اندکی وجود دارد.

در ارتباط با متغیر یادگیری اجتماعی منفی، نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که: در میان کسانی که هنوز فرزندی ندارند، نمره متوسط، با $66/2$ درصد، بیشترین توزیع را به خود اختصاص داده است. نکته قابل تأمل، این است که بر خلاف یادگیری مثبت، تفاوت بین دو گروه، از تعداد سه فرزند و بالاتر قابل مشاهده می‌باشد؛ به طوری‌که، حدود 33 درصد کسانی که سه فرزند و بالاتر دارند، عدم قصد فرزندآوری بیشتر را گزارش کرده‌اند، درحالی‌که این رقم برای کسانی که عدم قصد فرزندآوری بیشتر را گزارش کرده‌اند، صفر است.

جدول ۴، نتایج مرتبط با متغیر حمایت اجتماعی را نیز نشان می‌دهد. این جدول، بیانگر آن است که در بین زنان متأهلی که هنوز فرزندی ندارند، سطح متوسط حمایت اجتماعی، با $49/3$ درصد، بیشترین توزیع درصدی را دارا است. در میان زنانی که یک فرزند دارند و قصد آوردن فرزند دیگری را نیز بیان کرده‌اند، توزیع درصدی حمایت اجتماعی زیاد، $41/9$ درصد است. اما نکته قابل تأمل آن است که در بین زنانی که چنین قصدی را بیان نکرده‌اند، توزیع درصدی حمایت اجتماعی زیاد، صفر می‌باشد. بنابراین، در این رتبه، حمایت اجتماعی شبکه از افراد، می‌تواند عاملی مهم در تصمیم افراد برای فرزندآوری باشد. از تعداد دو فرزند به بعد، از تفاوت حمایت اجتماعی بین دو گروه کاسته می‌شود. با این وجود، میزان حمایت دریافتی از

شبکه، در میان زنانی که قصد داشتن فرزند دیگری را دارند، اندکی بیشتر از زنانی است که این قصد را ندارند.

بنابراین، نتایج تحلیل دو متغیره برای متغیرهای مکانیزم شبکه‌های اجتماعی، بیان‌گر پویایی آن‌ها با توجه تعداد فرزندان در حال حاضر زنده می‌باشد. به طوری که فشار اجتماعی، یادگیری اجتماعی مثبت، واگیری اجتماعی و حمایت اجتماعی، در تعداد فرزندان کمتر، بیشتر است و در در رابطه با یادگیری اجتماعی منفی، در تعداد بالاتر فرزندان موجود، افزایش می‌یابد. بنابراین، در تحلیل تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر باروری باید به پویایی مکانیزم‌های شبکه با توجه به تعداد فرزندان زنان توجه گردد. علاوه بر این، برای تحلیل روابط دو متغیره مکانیزم‌های شبکه اجتماعی و قصد باروری، از آزمون همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای^۱ استفاده شده است. زمانی که بخواهیم ضریب همبستگی بین دو متغیر که یکی از آنها پیوسته و دیگری دو مقوله‌ای یا دو ارزشی واقعی باشد، را محاسبه نماییم، از ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای استفاده می‌کنیم (سیف، ۱۳۸۵: ۳۷۷). همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای، ساده‌سازی ریاضی I پیرسون است (سعدی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۰۴). نتایج آزمون دو متغیره یا همان آزمون فرضیات تحقیق مربوط به متغیرهای مکانیزم‌های شبکه اجتماعی و قصد آوردن فرزند دیگر، در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج ضرایب همبستگی مکانیزم‌های شبکه اجتماعی با قصد آوردن فرزند دیگر

معناداری	ضریب دو رشته‌ای نقطه‌ای	مکانیزم‌های شبکه اجتماعی
۰/۰۰	۰/۴۳	فشار اجتماعی
۰/۰۰	۰/۲۱	واگیری اجتماعی
۰/۰۰	۰/۱۲	یادگیری اجتماعی مثبت
۰/۰۰	-۰/۰۹	یادگیری اجتماعی منفی
۰/۰۰	۰/۳۰	حمایت اجتماعی

نتایج همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای، حاکی از آن است که بین دو متغیر فشار اجتماعی و قصد آوردن فرزند دیگر، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده برای این دو متغیر

۰/۴۳ می‌باشد، که بیان‌گر آن است که هر چه میزان فشار اجتماعی بر زنان مورد مطالعه افزایش می‌یابد، قصد آوردن فرزند دیگر بیشتر می‌شود. همچنین همبستگی بین دو متغیر واگیری اجتماعی و قصد آوردن فرزند دیگر نیز معنادار است. ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای به‌دست‌آمده برای این دو متغیر، ۰/۲۱ می‌باشد که نشان می‌دهد هر چه بر میزان واگیری اجتماعی در زنان مورد مطالعه مورد مطالعه، افزوده می‌شود، قصد آوردن فرزند دیگر توسط آنان افزایش می‌یابد. نتایج جدول ۵ همچنین بیان‌گر آن است که همبستگی بین دو متغیر یادگیری اجتماعی مثبت، از طریق شبکه اجتماعی و قصد آوردن فرزند دیگر معنادار است. ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای بین این دو متغیر، ۰/۱۲ می‌باشد که نشان می‌دهد که هر چه بر میزان یادگیری مثبت از طریق شبکه اجتماعی افزوده می‌گردد، قصد آوردن فرزند دیگر در زنان مورد مطالعه نیز افزایش می‌یابد. اگرچه همبستگی بین دو متغیر یادگیری اجتماعی منفی از طریق شبکه و قصد آوردن فرزند دیگر نیز معنادار است، اما جهت این رابطه، برعکس سایر روابط، منفی است. ضریب همبستگی دو نقطه‌ای رشته‌ای بین این دو متغیر، ۰/۰۹- به‌دست آمده است که بیان‌گر آن است که هر چه بر میزان یادگیری اجتماعی منفی از طریق شبکه اجتماعی افزوده می‌شود، قصد داشتن فرزند دیگر، کاهش می‌یابد.

در نهایت، همبستگی بین متغیر حمایت اجتماعی از طریق شبکه اجتماعی و قصد آوردن فرزند دیگر هم معنادار می‌باشد. ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای بین این دو متغیر، ۰/۳۰ می‌باشد که بیان‌گر آن است که در میان زنان مورد مطالعه، هر چه بر میزان حمایت اجتماعی از طریق شبکه اجتماعی افزوده می‌شود، قصد آوردن فرزند دیگر توسط آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه پنجم، در رابطه با حمایت اجتماعی و قصد آوردن فرزند دیگر نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. در مجموع، می‌توان گفت: اگرچه تمامی فرضیات مورد تأیید قرار گرفتند، ولی دو متغیر فشار اجتماعی و حمایت اجتماعی، بیشترین میزان همبستگی مثبت با قصد فرزندآوری را دارا هستند.

برای آزمون چندمتغیره تأثیر متغیرهای مکانیزم شبکه‌های اجتماعی بر قصد آوردن فرزند دیگر از رگرسیون لجستیک دوجبهی استفاده شده است. در اینجا، متغیر وابسته، قصد آوردن فرزند دیگر علاوه بر فرزندان موجود است که به‌صورت خیر (۰) و بلی (۱) اندازه‌گیری شده است.

جدول ۶. آزمون چندمتغیره مربوط به بررسی تأثیر مکانیزم‌های شبکه اجتماعی بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه با استفاده از رگرسیون لجستیک دووجهی

متغیر	مدل ۱			مدل ۲			مدل ۳		
	B	Wald	EXP(B)	B	Wald	EXP(B)	B	Wald	EXP(B)
فشار اجتماعی	۰/۱۷۳	۸۸/۰۹۲**	۰/۱۵۹	۰/۱۸۱	۵۵/۳۰۹**	۰/۱۶۶	۱/۱۳۲	۲۶/۱۳۹**	۰/۱۲۴
واگیری اجتماعی	۱/۱۲۰	۹/۷۹۰**	۰/۱۱۴	۱/۱۸۸	۱۵/۹۳۴**	۰/۱۷۲	۱/۱۲۸	۵/۲۴۲*	۰/۱۲۰
یادگیری اجتماعی مثبت	۱/۰۰۹	۰/۰۴۵	۰/۰۰۹	۰/۹۵۸	۰/۶۵۶	-۰/۰۴۳	۱/۰۴۷	۰/۵۶۱	۰/۰۴۱
یادگیری اجتماعی منفی	۰/۸۲۹	۲۳/۹۲۴**	-۰/۱۸۸	۰/۸۴۳	۱۳/۵۴۷**	-۰/۱۷۱	۰/۸۴۳	۹/۶۱۳**	-۰/۱۷۰
حمایت اجتماعی	۱/۱۷۲	۱۶/۶۸۱**	۰/۱۵۹	۱/۱۰۲	۴/۵۴۶*	۰/۰۹۷	۱/۰۹۸	۳/۵۴۱*	۰/۰۹۴
سن افراد				۰/۷۸۷	۱۱۴/۴۷۰**	-۰/۲۳۹	۰/۹۰۷	۱۰/۷۰۸**	-۰/۰۹۸
تعداد فرزندان در حال حاضر زنده							۰/۱۸۷	۴۴/۱۹۷**	-۱/۶۷۵
تحصیلات افراد (مرجع دانشگاهی)								۵/۵۱۴**	
زیر دیپلم							۰/۴۷۵	۳/۷۶۶**	-۰/۷۴۵
دیپلم							۰/۴۸۶	۴/۶۶۶**	-۰/۷۲۲
وضعیت اشتغال (مرجع شاغل)									
غیرشاغل							۳/۱۶۳	۸/۲۶۴**	۱/۱۵۲
Cox and Snell R Square				۰/۲۷	۰/۴۶	۰/۵۳			
Nagelkerke R Square				۰/۳۶	۰/۶۱	۰/۷۰			

* معنادار در سطح $P < ۰/۰۵$

** معنادار در سطح $P < ۰/۰۱$

در جدول ۶، نتایج تحلیل چندمتغیره، برای متغیرهای مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی و قصد فرزندآوری آمده است. این تحلیل، در سه مدل انجام شده است. در مدل ۱، متغیرهای مکانیزم شبکه، بدون کنترل متغیرهای زمینه‌ای آمده‌اند. همان‌گونه که در این مدل مشاهده می‌گردد، تمامی مکانیزم‌های شبکه اجتماعی به جز متغیر یادگیری اجتماعی مثبت، با متغیر تابع، یعنی قصد بدنیا آوردن فرزند دیگر، دارای رابطه معنادار می‌باشند. همچنین، آماره‌های ضریب کاکس و نل و ضریب تعیین نیجل کرک که تا حدودی معادل ضریب تعیین (R^2) در رگرسیون خطی هستند، $۰/۲۷$ و $۰/۳۶$ به دست آمده‌اند. بنابراین، متغیرهای مکانیزم شبکه اجتماعی، توانسته‌اند بین ۲۷ تا ۳۶ درصد از تغییرات متغیر قصد فرزندآوری را به تنهایی تبیین نمایند که

میزان قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. در مدل ۲، متغیر سن پاسخگویان نیز به مدل رگرسیونی اضافه شده است. همانگونه که مشاهده می‌گردد، متغیر سن، متغیر کنترل مهمی بوده است و با ورود این متغیر، حدود ۲۰ درصد بر ضریب تعیین کاکس و نل و نیجل کرک و نهایتاً بر قدرت تبیین مدل، افزوده گردیده است. یکی از مهمترین آماره‌ها در رگرسیون لجستیک آماره نسبت بخت‌ها (EXP B) می‌باشد. در رگرسیون لجستیک، برای تعیین میزان تأثیر هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته، از این آماره استفاده می‌شود. نسبت بخت‌ها نشان می‌دهد یک واحد تغییر در بخت وقوع یک پیامد، به ازای یک واحد تغییر در متغیر مستقل است. این نسبت، معادل ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) در رگرسیون خطی می‌باشد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۹۰: ۷۳۰). نسبت بخت به دست آمده برای متغیر سن، ۰/۷۸۷ می‌باشد که نشان‌دهنده تأثیر منفی سن بر قصد فرزندآوری زنان پاسخگو می‌باشد. یعنی با افزایش سن زنان، احتمال قصد داشتن فرزند دیگر کاهش می‌یابد.

نکته قابل توجه در این مدل، آن است که با ورود متغیر سن به معادله، از تأثیر متغیر حمایت اجتماعی بر قصد فرزندآوری زنان کاسته شده است. میزان نسبت بخت برای متغیر حمایت اجتماعی در مدل ۱، ۱/۱۷۲ بوده است که در مدل ۲ به ۱/۱۰۲ کاهش یافته است. این امر نشان‌دهنده آن است که بخشی از تأثیر متغیر حمایت اجتماعی، تابع سن افراد بوده است. از آنجا که تأثیر سن منفی می‌باشد، می‌توان گفت با افزایش سن زنان از میزان حمایت اجتماعی افراد از طریق شبکه کاسته می‌شود.

در مدل ۳، سه متغیر کنترل دیگر، شامل تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، تحصیلات و وضعیت اشتغال نیز وارد معادله رگرسیون لجستیک شده‌اند. با کنترل متغیرهای سن، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، تحصیلات و وضعیت اشتغال افراد، همچنان متغیرهای فشار اجتماعی، واگیری اجتماعی، یادگیری اجتماعی منفی و حمایت اجتماعی، معناداری خود را حفظ کرده‌اند. بنابراین، نتایج رگرسیون لجستیک نشان‌دهنده آن است که فشار اجتماعی تأثیر مثبتی بر قصد فرزندآوری زنان پاسخگو دارد. بر اساس نتایج مدل ۳ نسبت بخت به دست آمده برای این متغیر ۱/۱۳۲ می‌باشد که نشان می‌دهد با افزایش میزان فشار اجتماعی از طریق شبکه بر زنان مورد مطالعه، احتمال قصد فرزندآوری به نسبت ۱/۱۳۲ افزایش می‌یابد. واگیری اجتماعی نیز تأثیر مثبت بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه دارد. میزان بخت به دست آمده

برای این متغیر، ۱/۱۲۸ می‌باشد؛ که نشان می‌دهد با افزایش میزان واگیری اجتماعی از طریق شبکه، احتمال قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه به نسبت ۱/۱۲۸ افزایش می‌یابد.

یادگیری اجتماعی منفی از طریق شبکه اجتماعی، برعکس دو متغیر قبلی دارای تأثیر منفی می‌باشد. میزان بخت به دست آمده برای این متغیر، ۰/۸۴۳ می‌باشد که نشان می‌دهد با افزایش میزان یادگیری اجتماعی منفی از طریق شبکه اجتماعی، احتمال قصد داشتن فرزند دیگر، کاهش می‌یابد. حمایت اجتماعی از طریق شبکه نیز دارای تأثیر مثبت بر قصد فرزندآوری می‌باشد. نسبت بخت به دست آمده برای این متغیر، ۱/۰۹۸ می‌باشد، که نشان‌دهنده آن است که با افزایش حمایت اجتماعی، احتمال قصد داشتن فرزند دیگر به نسبت ۱/۰۹۸ افزایش می‌یابد. چهار متغیر کنترل وارد شده نیز دارای تأثیر معنادار بر متغیر قصد فرزندآوری هستند. سن افراد دارای تأثیر منفی بر قصد رفتن به رتبه بالاتر فرزندآوری است. میزان بخت به دست آمده برای این متغیر ۰/۹۰۷ می‌باشد که نشان می‌دهد که هر چه بر سن زنان مورد مطالعه افزوده شده است، از احتمال قصد فرزندآوری (رفتن به رتبه بالاتر فرزندآوری) نیز کاسته شده است. با توجه به اینکه زنانی که در سنین بالاتر قرار دارند (برای مثال، بالاتر از ۴۰ سال)، باروری خود را تکمیل کرده‌اند، بنابراین، دیگر قصدی برای داشتن فرزند دیگر را ندارند. بنابراین، این نتیجه، معقول و منطقی به نظر می‌رسد. تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، دارای تأثیر منفی بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه می‌باشد. نسبت بخت به دست آمده برای این متغیر، ۰/۱۸۷ می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که هر چه بر تعداد فرزندان در حال حاضر زنده زنان مورد مطالعه افزوده شده، از احتمال قصد داشتن فرزند دیگر کاسته شده است.

متغیر تحصیلات، به صورت یک متغیر مقوله‌ای وارد معادله رگرسیونی شده است. در رابطه با این متغیر، طبقه دانشگاهی به عنوان گروه مرجع در نظر گرفته شده است. نسبت بخت به دست آمده برای طبقه زیر دیپلم ۰/۴۷۵ می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که احتمال قصد فرزندآوری زنان با تحصیلات زیر دیپلم، نسبت به زنان دارای تحصیلات دانشگاهی کمتر است. نسبت بخت برای طبقه دیپلم، ۰/۴۸۶ به دست آمده که بیانگر آن است که زنان دارای تحصیلات دیپلم، نسبت به زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، احتمال کمتری برای قصد فرزندآوری دارند. با توجه به اینکه زنانی که در سنین جوان‌تر قرار دارند، نسبت به زنانی که در سنین بالاتر (برای مثال بالاتر از ۴۰

سال) قرار دارند، دارای تحصیلات بالاتری هستند، این نتیجه نیز منطقی به نظر می‌رسد. همچنین به نظر می‌رسد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، باروری خود را به تعویق انداخته‌اند و به همین دلیل، بیشتر قصد داشتن فرزند داشته‌اند. این امر نشان از باروری تکمیل نشده آنها دارد. در حالی که زنان دارای تحصیلات پایین‌تر، زودتر باروری دل‌خواه خود را تکمیل کرده‌اند و هم اکنون عدم قصد باروری را گزارش نموده‌اند.

وضعیت اشتغال زنان، یک متغیر اسمی است که به صورت مقوله‌ای (غیرشاغل/ شاغل) طبقه‌بندی شده است. طبقه مرجع در اینجا شاغل می‌باشد. نسبت بخت به دست آمده برای این متغیر، $3/163$ می‌باشد که نشان دهنده آن است که زنان غیرشاغل نسبت به زنان شاغل، به نسبت $3/574$ احتمال قصد فرزندآوری بالاتری دارند. در مجموع، متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون لجستیک توانسته‌اند بین 53 تا 71 درصد از تغییرات متغیر قصد فرزندآوری را تبیین نمایند که مقدار قابل توجهی می‌باشد. لازم به ذکر است به نظر می‌رسد میزان بالای ضریب تعیین به دست آمده، تا حدود زیادی به متغیر تعداد فرزندان در حال حاضر زنده زنان مورد مطالعه برمی‌گردد. مقدار آماره والد و نسبت بخت این متغیر، نشان از اهمیت بالای این متغیر کنترل در تبیین قصد فرزندآوری در زنان مورد مطالعه می‌باشد. به بیان دیگر، می‌توان گفت: قصد رفتن به توالی بالاتر فرزندآوری در زنان، تا حدود زیادی تابع تعداد فرزندان در حال حاضر موجود آنها می‌باشد.

به طور خلاصه، می‌توان گفت مهمترین متغیری که بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه تأثیرگذار است، متغیر تعداد فرزندان در حال حاضر زنده آنها می‌باشد؛ به طوری که با کاهش یک واحد در تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، به نسبت $5/347$ برابر احتمال قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد. متغیرهای مهم دیگر، متغیرهای وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات زنان مورد مطالعه است. به نظر می‌رسد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی باروری خود را به تعویق انداخته و در حال حاضر، قصد باروری را بیان داشته‌اند؛ در حالی که زنان دارای تحصیلات پایین‌تر، نسبت به زنان دارای تحصیلات عالی، زودتر باروری دل‌خواه خود را تکمیل نموده‌اند. همچنین متغیرهای مکانیزم‌های شبکه تأثیر مهمی بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه داشتند که تأثیر هر کدام از آنها توضیح داده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی، روابط پایدار مجموعه‌ای از افراد را در ارتباط با یکدیگر ترسیم می‌کنند. این شبکه‌ها، زمینه تبادل اطلاعات و همچنین خدمات و کالاها را برای افراد ایجاد و تسهیل می‌کنند. فرض اساسی نظریه شبکه اجتماعی این است که تصمیمات اساسی که در چرخه زندگی افراد گرفته می‌شوند مانند تصمیم به والدین شدن یا قصد فرزندآوری، تنها به وسیله ویژگی‌های شخصی آنها تعیین نمی‌شود؛ بلکه تحت تأثیر رفتارهای سایر کنش‌گرانی که با آنها در تعامل هستند، قرار می‌گیرد (برنادری، ۲۰۰۳). در این رابطه، محققان شبکه‌های اجتماعی بر این عقیده‌اند که مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی و ساختار آنها دو مسیر مهم‌اند که از طریق آنها می‌توان به فهمی از پویایی باروری در جوامع جدید دست یافت. پرسش کلیدی این مقاله چنین بود که شبکه‌های اجتماعی و مکانیزم‌های مختلف آن چه تأثیری بر قصد فرزندآوری دارد؟.

بنابراین هدف تحقیق حاضر، مطالعه مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آنها بر قصد باروری زنان در شهرهای پوشهر، عسلویه و جم بود. لازم به ذکر است در رابطه با ساختار شبکه‌های اجتماعی، بر اساس مطالعات قبلی که توسط نگارندگان انجام گرفته است، می‌توان گفت تأثیر ساختار شبکه‌های اجتماعی بر فرزندآوری، بیش از آنکه تحت تأثیر گستردگی شبکه باشد، از نوع پیوند بین افراد متأثر است. نتایج تحقیق نگارندگان، نشان دهنده آن است افرادی که از پیوندهای خانواده هسته‌ای (پدر، مادر، برادر و خواهر خود یا خانواده همسر) برخوردارند، نسبت به برخوردارانی از پیوندهایی از نوع دوستان و همکاران، باروری بالاتری دارند. نتایج مطالعه نشان دهنده آن بود که اندازه و گستردگی شبکه، بر باروری اثرگذار نبوده است. همچنین فاصله زمانی بین اعضاء و میزان ارتباطات آنها با یکدیگر، شاخص‌های دیگری از ساختارند که بر باروری زنان مورد مطالعه تأثیرگذار بودند (دراهمکی، ۱۳۹۶). همچنین نتایج مطالعه نگارندگان در رابطه با سنخ‌شناسی شبکه‌های اجتماعی، با توجه به پیوند ساختار و مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی، نشان دهنده آن است که شبکه‌های خانواده‌محور، بیشترین احتمال و شبکه‌های اجتماعی دور از خانواده، کمترین احتمال را برای قصد فرزندآوری دارا بودند (عباسی‌شوازی و دراهمکی، ۱۳۹۶).

با توجه به مبانی نظری شبکه اجتماعی و مطالعات پیشین در این مقاله، مکانیزم‌های

یادگیری اجتماعی، فشار اجتماعی، واگیری اجتماعی و حمایت اجتماعی، انتخاب و در رابطه با قصد باروری مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج تحقیق، نشان‌دهنده آن است که مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی، نقش مهمی در رابطه با قصد باروری زنان مورد مطالعه ایفا می‌کنند. با کنترل متغیرهای سن، تعداد فرزندان در حال حاضر زنده، تحصیلات و وضعیت اشتغال افراد مورد مطالعه، نتایج نشان داد که هر چه فشار اجتماعی بر زنان مورد مطالعه افزایش می‌یابد، احتمال قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته لیفبر و بیلاری (۲۰۱۰) همخوانی دارد. فشار اجتماعی مانند یک نیرو عمل می‌کند که افراد را وادار به همراه شدن با هنجارهای شبکه اجتماعی می‌کند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد یادگیری اجتماعی منفی دارای تأثیری منفی بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه است. تجربیات افراد شبکه اجتماعی، منبع خوبی برای یادگیری اجتماعی و الگوی مهمی برای انتقال و تبادل اطلاعات در رابطه با فرزندآوری هستند. بنابراین، افرادی که در تعامل با اعضای شبکه یادگیری اجتماعی منفی، مواردی مانند انتظارات بالای فرزندان یا فشار اقتصادی فرزندان را گزارش کرده‌اند، قصد کمتری برای فرزندآوری دارند. همانگونه که یافته‌های توصیفی نشان داد، تأثیر یادگیری منفی در رتبه بالاتر فرزندآوری یعنی فرزند سوم به بعد، مشهودتر می‌باشد. تأثیر یادگیری اجتماعی بر فرزندآوری، در مطالعه کیم (۲۰۱۱)، لنگستید و پرسکاویز (۲۰۱۰) و بالبو و بارین (۲۰۱۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

واگیری اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی، دارای تأثیر مثبت بر قصد فرزندآوری در میان زنان مورد مطالعه بود. همان‌طور که نتایج تحقیق برناردی و کله‌نر (۲۰۱۴) نیز نشان داده است، زنانی که هنگام گذراندن وقت خود با نوزاد در شبکه‌شان انگیزش هیجانی مثبت نشان می‌دهند و احساس شادی و لذت به آنها دست می‌دهد، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند. یافته‌های تحقیق پیش رو، این موضوع را تأیید نمود. این یافته، در تحقیقات برناردی و جیودیسی (۲۰۱۰)، کله‌نر (۲۰۱۲)؛ و لويس و آرنز بیکر (۲۰۱۴) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در نهایت، حمایت اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی، تأثیر مثبتی را بر قصد فرزندآوری زنان مورد مطالعه نشان داد. شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان یک منبع مهم حمایتی در زمینه‌های مختلف مانند حمایت مالی، عاطفی و مراقبت از کودک عمل می‌کنند و بخش مهمی از سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی، با نقش حمایتی‌ای که ایفا می‌کنند،

بر توانمندتر شدن اقتصاد خانواده نیز مؤثرند. تأثیر حمایتی شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامعی که نهادهای رسمی، حمایت کمتری در رابطه با مراقبت از کودک انجام می‌دهند، مشهودتر و نمایان‌تر است. تأثیر حمایت اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی بر رفتار فرزندآوری، در تحقیقات بهلر و فزیچزک (۲۰۰۷)؛ آرنز بیکر و نوک (۲۰۱۰) و برنادری و کله‌نر (۲۰۱۴) نیز اثبات شده است.

در این مطالعه، متغیرهای کنترل وارد شده به تحقیق نیز نقش تبیین‌کنندگی مهمی در رابطه با قصد فرزندآوری زنان ایفا نمودند. نتایج نشان داد که با کاهش یک واحد در تعداد فرزندان در حال حاضر زنده زنان مورد مطالعه، احتمال قصد فرزندآوری، به نسبت ۵/۳۴۷ برابر افزایش می‌یابد. متغیر کنترل مهم دیگر، وضعیت اشتغال زنان مورد مطالعه بود. زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل، به نسبت ۳/۱۶۳ برابر از احتمال بیشتری برای قصد فرزندآوری برخوردار بودند. متغیر کنترل سن، به صورت منفی بر قصد باروری تأثیرگذار بود. همچنین زنان دارای تحصیلات عالی نسبت به زنان دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم و به دلیل تأخیر فرزندآوری خود، از احتمال بیشتری برای قصد فرزندآوری برخوردار بودند.

همان‌طور که نظریه شبکه اجتماعی بیان می‌کند، مکانیزم‌های شبکه در پیوند با ماهیت، ساختار و ترکیب آن قرار دارند. اگر فرض اساسی تئوری فردگرایانه درست انگاشته شود (بک و بک گرنسهایم، ۲۰۰۲) و پیوندهای شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تراکم و ساختارهای شبکه‌ای خانواده‌محور، در حال کم شدن باشند و شبکه‌های کم تراکم و ناهمگن با سهم بالاتر دوستان در حال افزایش باشند، مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی چه ویژگی‌ای به خود خواهند گرفت؟

سوال مطرح دیگر آن است که گسترش تکنولوژی مدرن و شبکه‌های اجتماعی مجازی، چه تأثیری بر ساختار و مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی برجا خواهد گذاشت؟ لاتور در نظریه کنشگر- شبکه خود، معتقد است: این فقط انسان‌ها نیستند که عاملیت داشته و در شبکه تعیین‌کننده هستند بلکه تکنولوژی، طبیعت، اشیاء و ابزارها هم دارای قدرت عاملیت هستند. لاتور مجموعه‌ای از انسان‌ها، تکنولوژی و دیگر عوامل تعیین‌کننده را با همدیگر پیوند داده و آن را شبکه می‌نامد. این شبکه‌ها دائماً در حال تغییر و شکل‌گیری هستند. چون انسان‌ها، تکنولوژی، ساختارهای اجتماعی و سیاسی و... دائماً در حال تغییرند. این شبکه‌ها، هیچ تعهدی ندارند که فردا هم همین‌گونه باشد (لاتور، ۲۰۰۵).

لازمه شکل‌گیری و تأثیرگذاری مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی تعاملات طولانی مدت، پیوندهای قوی و یکپارچه برای ایجاد اعتماد و همکاری است. مسلماً پیوندهای ضعیف و تعاملات کوتاه مدت، زمینه شکل‌گیری مکانیزم‌های شبکه مانند فشار اجتماعی، واگیری اجتماعی و حمایت اجتماعی را فراهم نمی‌کنند. هر چه شبکه‌های اجتماعی همگن‌تر و دارای پیوندهای قوی‌تر باشند، زمینه حمایت اجتماعی بهتری فراهم می‌شود و فشار و واگیری اجتماعی نیز در آنها افزایش می‌یابد. مطالعه حاضر تأثیر مکانیزم‌های شبکه‌های اجتماعی را در در یک مقطع زمانی کوتاه و در یک مکان مشخص مشاهده کرد. یکی از ویژگی‌های زندگی مدرن، تحرک و جابجایی بیشتر افراد در طول زمان و مکان می‌باشد. در این روند، ممکن است افراد از اعضای شبکه خود فاصله بگیرند. از آنجا که زمان و مکان دو پدیده اجتماعی هستند که در جامعه مدرن با توجه به پیچیدگی‌های صحبت‌شده، پیوسته در حال تغییر و بازسازی هستند، بنابراین، محققان اجتماعی باید مدام تغییرات شبکه‌های اجتماعی و باروری را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف رصد و تبیین‌های خود را به روز نمایند. حفظ باروری در سطح جانشینی برای استان بوشهر مسأله‌ای است که در برنامه‌ریزی‌های سیاستی باید به آن توجه گردد. یکی از عوامل مؤثر که تأثیر آن در مطالعه حاضر نشان داده شد، شبکه‌های اجتماعی هستند. زندگی مدرن هم دارای فرصت‌ها و هم دارای محدودیت‌هایی می‌باشد، که این امر نیاز به شناخت جامعه و تغییرات آن را بیش از هر چیزی ضروری می‌سازد. با کاهش پیوندهای شبکه‌های اجتماعی، از یک طرف، افراد در زمینه فرزندآوری با بار اقتصادی بیشتر مواجه می‌گردند و از طرف دیگر، زمینه میانجی‌گری ایده‌ای و ارزشی آنها کم رنگ‌تر می‌گردد. تلاش برای حفظ شبکه‌های اجتماعی از طریق فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی از یک سو، و از سوی دیگر، تلاش برای پیدا کردن جایگزین‌هایی برای کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مانند حمایت نهادهای رسمی از خدماتی مانند مراقبت از کودک که می‌تواند جایگزینی بر نقش حمایتی شبکه‌های اجتماعی باشد، در زمینه باروری اهمیت دارد و زمینه حفظ باروری در سطح جانشینی و جلوگیری از کاهش آن را فراهم می‌سازد.

منابع

- پرنده، پریش (۱۳۷۲). بررسی تفاوت‌های استانی در باروری اقوام، فصلنامه جمعیت، دوره ۵، شماره ۶، صص ۲۷-۵۸.
- حبیب پور، کرم و رضا صفری (۱۳۹۰). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: نشر لویه.
- دراهکی، احمد (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نیت و رفتارهای باروری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده نقاط شهری استان بوشهر، پایان‌نامه دوره دکتری در رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر دوران.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۵). اندازه‌گیری، سنجش و ارزیابی آموزشی، تهران: نشر دوران.
- شولتز، دوران پی و الن شولتز (۲۰۱۳). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
- عباسی شوازی، محمدجلال و احمد دراهکی (۱۳۹۶). تأثیر سنخ‌های متفاوت شبکه‌های اجتماعی بر قصد باروری: مطالعه زنان حداقل یکبار ازدواج کرده مناطق شهری استان بوشهر، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲۲، صص ۴۱-۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و حاتم حسینی (۱۳۸۶). قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۴، صص ۴۱-۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۹، شماره ۰، صص ۳۱-۵۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و زهره خواجه صالحی (۱۳۹۲). سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۴۵-۶۴.
- عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۹۳). نامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۷۶-۳۷.

عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی در استان یزد، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۷۵-۳۵.

عباسی شوازی، محمدجلال و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۸۸). بررسی ابعاد استقلال زنان بر رفتار باروری، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۳۱-۵۱.

عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، پیترو مکدونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۴). تحولات باروری در ایران: شواهدی از استان‌های منتخب، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. عینی زیناب، حسن و فریده شمس قهفرخی (۱۳۹۱). تأثیر تمپو (زمان‌بندی فرزندان) بر میزان باروری کل در ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۱۷۷-۱۹۶.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.

مرکز بهداشت و درمان استان بوشهر (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی باروری استان بوشهر به تفکیک شهرستان‌های استان ۱۳۹۵.

وزارت کشور، (۱۳۹۲). اسناد موجود درباره تقسیمات کشور به تفکیک استان و شهرستان.

Abbasi-Shavazi, M. J, P. McDonald and M. Hosseini-Chavoshi (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer.

Abma, J. C. and G. M. Martinez (2006). Childlessness among Older Women in the United States: Trends and Profiles, *Journal of Marriage and Family*, 68(4): 1045-1056.

Adsera, A. (2004). changing fertility rates in developed countries. The impact of labor market institutions, *Journal of Population Economics*, 17(43): 1-27.

Aparicio Diaz, B, T. Fent, A. Prskawetz, and L. Bernardi (2011). Transition to Parenthood: The Role of Social Interaction and Endogenous Networks, *Demography*, 48(2): 559-579.

Arránz Becker, O. D. Lois, and B. Nauck (2010). Differences in Fertility Patterns between East and West German Women, Disentangling the Roles of Cultural Background and of the Transformation Process, *Comparative Population Studies*, 35(1): 7-34.

Asch, S. E. (1955). Opinions and Social Pressure, *Scientific American*, 19(5): 31-35.

Axinn, W. G; M. E. Clarkberg, and A. Thornton, (1994). Family influences on family size preferences, *Demography*, 31: 65-79.

- Balbo, N. and M. Mills (2011). The effects of social capital and social pressure on the intention to have a second or third child in France, Germany, and Bulgaria, 2004–05, *Population Studies*, 65: 335–351.
- Balbo, N. and N. Barban (2014). Does Fertility Behavior Spread Among Friends? *American Sociological Review*, 79: 412–431.
- Bandura, A. (1962). Social Learning through Imitation, In: Jones, M.R. (ed.): *Nebraska Symposium on Motivation*. Lincoln: University of Nebraska Press: 211–269.
- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Beck, U, and E. Beck-Gernsheim (2002). Individualization: Institutionalized Individualism and Its Social and Political Consequences, London, Thousand Oaks, Calif: SAGE.
- Bernardi, L, and A. Klarner (2014). Social Networks and Fertility, *Demographic Research*, 30(22): 641-669..
- Bernardi, L. (2003). Channels of Social Influence on Reproduction, *Population Research and Policy Review*, 22(5-6): 527–555.
- Bernardi, L. and F. Giudici (2010). Social Interaction as Incentive to Parenthood. Paper presented at Sunbelt International Network of Social Network Analysis Conference XXX, Riva del Garda, Italy, June 29-July 04 2010.
- Bongaarts, J. and S. C. Watkins (1996). Social interactions and contemporary fertility transitions, *Population and Development Review*, 22: 639–682.
- Bühler, C. and E. Fratzak (2007). Learning from Others and Receiving Support. The impact of Personal Networks on Fertility Intentions in Poland, *European Societies*, 9(3): 359–382.
- Burt, R. S. (1984). Network Items and the General Social Survey, *Social Network*, 6: 293-339.
- Burt, R. S. (1987). Social contagion and innovation: Cohesion versus structural equivalence, *American Journal of Sociology*, 92: 1287–1335.
- Burt, R. S. and G. A. Janicik (1996). Social Contagion and Social Structure. In: Iacobucci, D. (ed.). *Networks in Marketing*. Thousand Oaks: SAGE: 32-49.
- Cleland, J. and C. Wilson (1987). Demand Theories of The fertility Transition:
An Iconoclastic View, *Population Studies* 41(1): 5-30
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, *The American Journal of Sociology*, 94: 95-120.
- Dykstra, P. A; R. Platinovsek , C. Buhler, T. Kogovsek, T. Fokkema, V.

- Hlebec, and G. Petric, (2016), Social network indices in the Generation and Gender Survey: An appraisal, *Demographic Research*, 34(35): 995-1036.
- Erfani A. and K. McQuillan (2008). Rapid fertility decline in Iran: Analysis of intermediate variables, *Journal of Biosocial Sciences* 40(3): 459-478
- Erfari, A. (2005). Shifts in social development and fertility decline in Iran: A cluster analysis of provinces, 1986-1996, Discussion Paper no. 05-1, Population Studies Centre, University of Western Ontario.
- Festinger, L, S. Schachter, K. Back, C. Bauer, and R. Woods (1950). *Social Pressures in Informal Groups: A Study of Human Factors in Housing*. New York: Harper.
- Friedman, D; M. Hechter, and S. Kanazawa (1994). A theory of the Value of Children, *Demography*, 31: 375-401.
- Granovetter, M. S. (1985). Economic Action and Social Structure: the Problem of Embeddedness, *American Journal of Sociology*, 91(3): 481-510.
- Hlebec, V, and T. Kogovsek (2012). Different Approach to Measure Ego-centered Support Network, A Meta-Analysis. *Qual Quant*, 47: 3435-3455.
- Islam, M. M, and R. Bairagi, (2003). Fertility Intention and Subsequent Fertility Behavior in Matlab: Do Fertility Intention Matter? *Journal of Biosocial Science*, 35(4): 615-619.
- Keim, S. (2011). Social networks and family formation processes. Young adults' decision making about parenthood, Wiesbaden: VS-Verlag.
- Kohler, H. P, and C. Bühler (2001). Social Networks and Fertility, In: Smelser, N.J. and Baltes, P.B. (eds.). *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*. Oxford: Pergamon: 14380-14384.
- Latour, B. (2005). *Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network Theory*, New York: Oxford University Press.
- Liefbroer, A. C. and F. C Billari (2010). Bringing norms back in: A theoretical and empirical discussion of their importance for understanding demographic behavior, *Population, Space and Place*, 16(4): 287-305.
- Lois, D, and O. Arránz Becker (2014). Is Fertility Contagious? Using Panel Data to Disentangle Mechanisms of Social Network Influences on Fertility Decisions, *Advances in Life Course Research*, 24: 34- 123.
- Lois, D. (2016). Types of Social network and the transition to parenthood, *Demographic Research*, 34(23): 657-687.
- Lyngstad, T. H, and A. Prskawetz (2010). Do siblings' Fertility Decisions Influence Each Other? *Demography*, 47(4): 923-934.
- Marsden, P. V. (1990). Network Data and Measurement. *Annual Review of Sociology*, 16: 435-463.

- Maxwell, J. W, and J. E. Montgomery (1969). Societal Pressure toward Early Parenthood. *The Family Coordinator*, 18(4): 340–344.
- McDonald, P. (2003). Reforming family support in Australia, *People and Place*, 11(2): 1–15.
- Miller, N. A. and J. Dollard (1941). *Social Learning and Imitation*. New Haven: Yale University Press.
- Neugarten, B. L. (1979). Time, age and the life cycle. *American Journal of Psychiatry*, 136: 887–894.
- Ory, M. G. (1978). The Decision to Parent or Not: Normative and Structural Components, *Journal of Marriage and Family*, 40(3): 531–539.
- Rindfuss, R. R, K.B Guzzo, and S.P Morgan (2003). The changing institutional context of low fertility, *Population Research and Policy Review*, 22(5-6): 411-438.
- Rossier, C. and L. Bernardi (2009). Social Interaction Effects on Fertility: Intentions and Behaviors, *European Journal of Population* 25(4): 467–485.
- Vikat, A, G. Beets, F. Billari, C. Bühler, A. Désesquelles, T. Fokkema, A.L. MacDonald, G. Neyer, A. Pailhé, A. Pinnelli, A. Solaz, and Z. Spéder (2005). Wave 1 Questionnaire Manual. In: United Nations Economic Commission for Europe (ed.), *Generations & Gender Programme. Survey Instruments*. New York and Geneva: United Nations: 18-32.
- Watkins, S. C. and A. D. Danzi (1995). Women's Gossip and Social Change: Childbirth and Fertility Control among Italian and Jewish Women in the United States, 1920-1940, *Gender and Society*, 9(4): 469–490.
- Westoff, C. F. (1990). Reproductive Intentions and Fertility Rates, *International Family Planning Perspectives*, 16(3): 84-89.
- Westoff, C. F. and N. B. Ryder, (1977). The Predictive Validity of Reproductive Intention, *Demography*, 14(4): 413-435.